

چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی

نویسنده: جیمز جویس

ترجمه: امیر علیجان پور



سرشناسه: جویس، جیمز، ۱۸۸۲ - ۱۹۴۱ م.
Joyce, James

عنوان و نام پدیدآور: چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی / نویسنده جیمز جویس؛ مترجم امیر علیجان پور.
مشخصات نشر: تهران: آوای مکتوب، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س. م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۴-۰۹-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: A portrait of the artist as a young man.

عنوان دیگر: سیمای مرد هنرآفرین در جوانی.

موضوع: جویس، جیمز، ۱۸۸۲ - ۱۹۴۱ م. — سرگذشتنامه

موضوع: داستان‌های انگلیسی — قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده: علیجان پور، امیر، ۱۳۶۵ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ س ۹۲ ج PZ۳

رده‌بندی دیویی: ۹۱۲/۸۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۲۹۰۶۷

نام کتاب: چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی

نویسنده: جیمز جویس

ترجمه: امیر علیجان پور

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۴

ناظر فنی: سید یاشار بنی‌هاشمی خامنه

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۴-۰۹-۳

صفحه‌آرایی: تحریریه آوای مکتوب



کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

تلفن: ۰۹۱۲۷۷۹۷۳۸۷ - ۶۶۴۷۹۴۱۵

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

سخن مترجم

چهره مرد هنرمند در جوانی (a portrait of the artist as a young man) نام رمانی است از جیمز جویس که در سال ۱۹۱۶ منتشر شد. این داستان که ماجراهای پسری را از ۲ تا ۲۰ سالگی بیان می‌کند بسیار پیچیده است و در آن به مسائلی از قبیل ایرلند، انسان، کودک، ترس و خدا پرداخته می‌شود. چهره مرد هنرمند در جوانی شاهکاری است که خود درآمدی است بر شاهکار بسیار مشهور دیگر جویس، اولیس. شخصیت اصلی هر دو اثر استیون ددالوس است. چهره مرد هنرمند در جوانی را زندگی نامه خود نوشت جویس می‌دانند. نویسنده، روایت رمان را که توسط سوم شخص مفرد بیان شده با ذهنیات استفان ددالوس ادغام کرده و خواننده در بعضی قسمت‌های رمان با این ادغام روایت و ذهنیت مواجه می‌شود. نویسنده به تلاش و نوسانات روحی ددالوس برای غلبه روحی بر عوامل منفی اطرافش از جمله رفتار نامناسب برخی از معلمین و خشونت‌هایی که بین پسرهای مدرسه رواج دارد، پرداخته است.

جیمز جویس به عنوان یکی از نابغه‌های ایرلند، اثرهای ادبی ماندگاری را از خود برجای گذاشته است که از میان آن‌ها می‌توان چهره مرد هنرمند در جوانی و اولیس را نام برد. رمان‌های این نویسنده خلاق ایرلندی، در زمان حیاتش به دلیل تجربه‌گرایی نو در امر نوشتن چندان مورد توجه عموم واقع

نشد و به همین دلیل جیمز جویس همیشه در مضیقه زندگی کرد. تنها رمان جیمز جویس که به لحاظ ساختاری و تکنیک نوشتاری، در مقایسه با دورمان آخر او یعنی اولیس و فینیقی‌ها برمی‌خیزند، بیشتر برای عموم قابل فهم بود. البته صرف‌نظر از مجموع داستان کوتاه او یعنی دوبلینی‌ها، چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی است. در این رمان، جویس زندگی شخصی خود را به طور هنرمندانه‌ای، با استفاده از نمادهای مذهبی و اسطوره‌ای، به تصویر کشیده است. اولین سر نخ‌ی که ما را به این باور سوق می‌دهد خود عنوان اثر است که نمایانگر بازآفرینی یک زندگی است که در واقع زندگی خود نویسنده است. البته علاوه بر خود اثر، کتاب‌های متعددی در این مورد نوشته شده است که از جمله می‌توان کتاب ارزشمند جیمز جویس به وسیلهٔ ریچارد المن را نام برد. المن در این کتاب اول از همه به زندگینامهٔ جیمز جویس می‌پردازد و سپس تأثیرات بیرونی و درونی حاکم بر کتاب‌های جویس را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ که یکی از آن‌ها زندگی شخصی خود جویس است که به وضوح در رمان چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی دیده می‌شود.

به عنوان زندگینامهٔ ادبی جیمز جویس، چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی به طرز حیرت‌آوری به سبک تکاملی به قلم درآمده است، به این معنا که رمان با یک داستان کودکانه آغاز می‌شود و سر آخر با فصلی تمام می‌شود که در آن شخصیت اول رمان یعنی استیون ددالوس به تصمیم نهایی خود در زندگی می‌رسد. در آغاز داستان استیون ددالوس یک کودک ساده و پاک‌فطرت است که جویس به منظور نشان دادن این ویژگی، رمان را با سبکی بسیار ساده آغاز می‌کند: «روزی روزگاری...» این اولین جملهٔ رمان است که در واقع آغاز یک داستان کودکانه است که پدر استیون ددالوس، سایمون ددالوس، برای او می‌خواند.

ددالوس در این داستان زندگی جیمز جویس را از نخستین خاطرات او بازسازی می‌کند، هنگامی که جایات را خیس می‌کند اول گرم است و سپس سرد می‌گردد. مادرش کهنه‌اش کرد. بوی عجیبی می‌داد. بوی مادرش بهتر از بوی پدرش بود. برای او پیانو و سرنای ملوانان را می‌نواخت تا او برقصد و او نیز می‌رقصید.

مشکل می توان گفت که جوئیس دقیقاً در کدام طبقه اجتماعی قرار داشت؛ و این تا اندازه‌ای به آن سبب است که وضع مالی خانواده‌اش مرتباً رو به وخامت می‌نهاد و تا اندازه‌ای به این سبب که خود او به مخدوش کردن شواهد بی‌میل نبود. ویرجینیا وولف که از فضای رمان اولیس به تنگ آمده بود به این نتیجه رسید که لابد «کارگر خود آموخته‌ای» بوده است... شاید شدت فلاکت خانواده جوئیس بیش از دوام آن در مرتبه اعیان و اشراف بوده است. اما بر خلاف دی. اچ. لارنس، دیگر رمان‌نویس بزرگ آن دوران، «آگاهی طبقاتی در مورد جوئیس اهمیت ندارد. آن چه مورد توجه جوئیس است طبقه‌بندی مردم به کشیش و هنرمند و هموطن است، نه طبقه‌بندی به اعیان و عوام.» کشیش شدن این چیزی است که خانواده برای تضمین آینده استیون (جوئیس) انتخاب کرده است:

«خانم ددالوس گفت، من خودم هرگز فکر فرستادن او به مدرسه برادران مسیحی را دوست نداشتم.

آقای ددالوس گفت نه تو را به خدا بگذار پیش همان یسوعی‌ها که از اول با آن‌ها بوده برود. چند سال بعد به نفخش خواهد بود. آن‌ها کسانی هستند که می‌توانند انسان را به مقام و منزلت برسانند.»

با رشد فکری استیون ددالوس به همان نسبت سبک رمان نیز تغییر می‌کند. این تغییر، بسیار تدریجی و پله‌پله است و خواننده آن را کاملاً منطقی و پذیرفتنی درمی‌یابد. در آغاز داستان، افکار و منش استیون ددالوس بسیار کودکانه است. این نکته در آغاز داستان به شیوه‌های گوناگونی توسط جوئیس، آشکارا نشان داده شده است. مثلاً در صحنه‌ای استیون ددالوس با کمال صداقت به دوستانش می‌گوید که او هنگام خوابیدن صورت مادرش را می‌بوسد و با این حرف که ریشه در پاکی او دارد مورد تمسخر دوستان واقع می‌شود. در اصل این صحنه‌ها در اوایل داستان نشانگر سادگی و پاکی استیون جوان هستند که جوئیس این حقیقت را با ساده بودن کلمات و جملات در آغاز رمان به تصویر کشیده است؛ یعنی اینکه تغییر سبک رمان به نسبت با رشد فکری و جسمی شخصیت اول متوازن است.

همان طوری که قدرت تحلیل ذهن استیون با گذشت زمان قوی تر می شود، سبک نوشتاری داستان نیز متناسب با این تغییر حرکت می کند. به این معنا که به نسبت جملات و کلمات پیچیده تر می شوند تغییر تدریجی سبک نوشتاری، رشد فکری استیون را در ذهن خواننده تداعی می سازد.

از همان آغاز داستان استیون ددالوس با دوگانگی های متفاوتی روبه رو می شود: دو گروه رز سفید و رز قرمز در مدرسه و یا بحث پدرش با دانتی بر سر مذهب و سیاست در شب مهمانی، همچنین تنبیه ناعادلانهٔ استیون توسط معلمش بر سر شکسته شدن عینک استیون که هیچ کس باور نمی کند. استیون منحصر به فرد بودن خود را به روش های گوناگون نشان می دهد. برای مثال هنگامی که دوستانش از او دربارهٔ نویسندهٔ مورد علاقه اش می پرسند او در پاسخ به آن ها جان هنری نیومن و لرد بایرن را معرفی می کند. این دو نویسنده و شاعر جزء بزرگان انقلابی مذهب و ادبیات هستند. با ذکر نام این دو فرد، استیون مورد تمسخر و تنبیه دوستانش واقع می شود. دوستانی که بیانگر جامعه اطراف او هستند. آن ها آلفرد لرد تینسن را پیشنهاد می کنند که در ادبیات به «شاعر مردم» معروف است. مواجه شدن استیون با این شرایط باعث رشد فکری او می شود و این رشد، که در واقع رشد فکری خود نویسنده است، توسط جویس با تغییر تدریجی سبک رمان نشان داده شده است.

در کل، از دیدگاه سبک شناسی، آغاز داستان با پایان آن اصلاً قابل قیاس نیست و دلیل این تمایز تلاش جیمز جویس در همانند سازی سبک رمان با رشد فکری استیون است.

در مجموع، استیون ددالوس از آغاز رمان تا پایان آن تغییرات و مشکلات زیادی را سپری می کند. ولی در آخر، زندگی هنری و ادبی را به هر چیز دیگری ترجیح می دهد. او دلیل اصلی همهٔ این تغییرات و تصمیم ها را محیط اطراف خود یعنی مردم، ملیت و کشورش می داند. این تغییرات چه به لحاظ سبکی و چه به لحاظ فکری شخصیت اول، به طور هنرمندانه ای از طرق مختلف از جمله بن مایه و یا نماد به تصویر کشیده شده اند که در اصل سند محکمی بر خلاقیت منحصر به فرد جیمز جویس هستند.